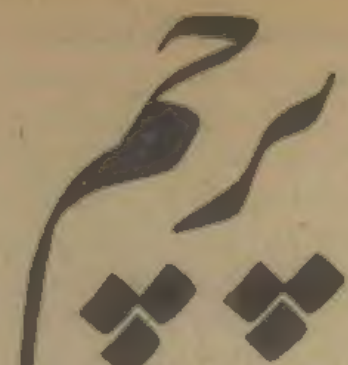


جای اداره  
خیابان ۷۵ زار کچه تهران پاساژ بختیاری  
تلفن ۹۰۴۶  
تک شماره ۵۰ دینار

سال یکم - شماره ۸۱



دانشه و نویسنده کسروی تبریزی

بهای اشتراك  
سالانه ۱۲۰ ریال شش ماهه ۷۵ ریال  
سه ماهه در همه جا ۴۰ ریال  
بهای آگهی  
هر سطر: صدمه دوم ۴ ریال صدمه سوم ۲ ریال  
صفحه چهارم ۲ ریال

شنبه ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

### گروهی از سران آزادی در تبریز



این عکس در  
سال ۱۳۲۴ در  
تبریز برداشته  
شده و گروهی  
از سران  
آزادخواهان  
را نشان میدهد  
آنکه در میان  
استاد حاج  
نظام‌الدوله است  
که یکی از  
نویسندگان و خود  
از نویسندگان بود  
و چون در آغاز  
کار این دسته  
هنوز مشروطه  
روگردان شده  
بودند صلیبی  
نظام‌الدوله در  
تبریز رئیس  
انجمن بود در  
دست‌و‌استاد  
شاهروان شیخ سلم استاده در دست چپ آقا میرزا جواد ناطق میاشد. بیشتر دیگران از شاخه گند

## يك نمونه از اندیشه‌های پراکنده

بکروزی در ایران معصوم بوده که شاعران شعر سرایی را پیشه خود گرفته بی کاری یا داد و ستدی نرفته اند، و کسانی از آنان خود را بخیر یک پادشاهی یا یک حکمرانی ست با سابقگری ازو صله و امام گرفته از این راه زندگی می کرده اند. اینان برای آنکه احساسات خود خواهانده جزا را می گردانده از هیچ گزافه‌ای باز نی ایستاده اند و برای آنکه در سانسنگری ملادمت پیشین را گیرند، حقایق را با پنداره‌ها و با پندگیهای شاعرانه خود بهم آمیخته يك مضمونها - بابتی گویم يك معجونهای عریسی پدید می آورده اند - بیکت خودشان نه کسی فلک را زیر پای خزل و اسلان میگردانده تا یک صله و امام بزرگی ازو در یافت کنند.

یفاست که سخنان اینها بسیارست و بیایه بوده و این سلسله غرض است که امروز مردمی در کارهای زندگی بیکت های اینها استاد کنند و از آنها پیروی نمایند.  
یکی از آن شاعران نظامی گندهای بوده ایستاد میرزا حسن که بابتی گویم يك مضمونها - بابتی گویم يك معجونهای عریسی پدید می آورده اند - بیکت خودشان نه کسی فلک را زیر پای خزل و اسلان میگردانده تا یک صله و امام بزرگی ازو در یافت کنند.

بهر حال این سلسله غرض است که کسی امروز در این دوره مشروطه و حکومت دموکراسی چنان شری تسک ناید و آن را صله گفته های خود گرداند، بسیار غرض است که کسی امروز شعرهای فردوسی را بگوشتا کشته و از آنها دلیل بیاورد. امروز پادشاهی بی‌دیگرست و يك پادشاه دختانی در کار ندارد. دوره گاهی امروزی نیرو دوست توده هاست و اگر معنی یاید گفت از توده ها باید گفت. يك کسی اگر میخواهد چیزهایی ببرد بیاورد و بکرامتایی که باید از طرف زندگانی توده‌ای و از چگونگی سر رشته داری آنها گفتگو نماید. آنکس که اینها را فراموش کند و خود و خوشه گان را بر زمان صلح و صلحان کشته و اندیشه های پیونده آفرمان را ناله گرداند این اندیشه ها در ایران بود که مردم دو بسوی اروپا آورده و مشروطه را از آن گرفته و باصطلاح و زبان آفرینا پدید گردانیدند. اینها بود و مردم نتیجه آنها را که و برای کشور و این بعضی توده بود می دیدند و برای دهای از آنها بود که آینه کوششها را بکار بردند. کتون چشمه دویله آنها برگرفته. اگر چنانست که مردم از روی اندیشه های فردوسی و نظامی زندگانی کنند دیگر مشروطه چه سیاست. آن خوبتر و بیا و کشتا کشته‌ها بیاوردند.

دیگر قانون اساسی چه نتیجه دارد. برلمان برای چیست. این و از آنرا حله ها چه لازم است. اگر این راست چه فرمان بردان چه فرمان شاه. راست. پادشاهان مطهر شاهی حق. راست. صلاح مملکت خوش خروان داند. پس آن خورده من صله فطیر را برای چه بود. آن جنگها و خورده‌ها چه منی داشتند.

دوران زمانیکه مشروطه شد بابتی یکی از کوششها دینار شاه باشد که مردم را با منی دوست مشروطه و ورشت داری توده آتش گرداند و مریت چنین زندگانی را با آن پدیداند. این کار از همه لازم بود زیرا چنانچه بخواهد کشته ایم فرق مشروطه با امتداد تندر بودن و سون قانون اساسی نیست. بیکر بر رشتن آمدگی مردم برای زندگانی آزادانه است، و این آمدگی هنگامی نواستی بود که مردم منی دوست مشروطه را بداند و مزایای آن را دریابند. میبایست سلسله روزنامه های ایران در این زمینه گفتارها بویست تا این اندیشه بوی و افروند با دانه و آن بلورهای کهن را بیرون گرداند.

ولی در آغاز مشروطه چنین کاری بر نهاده و سپس بزرگها و کشتا کشته فرصت نداد و نتیجه آن شد که امروز از یک اصول حکومت کشور مشروطه است و قانون اساسی بروی آن نوشته شده و از یکسو دلهای بارور هاست که بجه آن میاشد.

اگر شما چشمه کبک خواهید دید امروز چند عصبه ضربه ضربه حکومت در ایران رواج دارد. بیکت حکومت را جز بی هزار سال پیش آن سی دانه و بفرمودی و نظامی هم باورده. بیکت حکومت را حق خدا دانسته دختان دولت را چه نامتعداد باشد و چه بشروطه حرام میباشند. بیکت به بیوی از برخی کشور های اروپا هوادار دیکتاتوری هستند و بیکت خودشان مشروطه را بیکت شده میباشند. اینست بلورهای گویا گویی که شاد در میان مردم نوابه یافت.

چنانکه گفتیم این يك نمونه است. چون حکومت با سر رشت داری یکی از کارهای مهم زندگانیست آن را برای مثل بگردیم. و اگر به ره رشت های زندگانی این شوی و بر آکنده اندیشی رواج دارد. دهر یکی از آنها بزرگ شاد چند عصبه ضربه هم را نوابه پیدا کرد.

این بخش صحت صحت صحت است. کتون باید به بخش دوم در آیم و رابطه‌ای را که در میان این اندیشه‌های پراکنده و دلمه گها و بیفتیهای توده است شرح دهیم، و این بیژست که از شماره فردا بآن خواهیم پرداخت.

### يك خرده گیری از رفتار افسران

از قیل (پس شما اسان نیستید) و عادت اسانیت نمی کنید (۱) می بردازند. و حوالیکه اگر مقصود رعایت است اول باید رعایت قانون شود که کسی چنین حلی را ندارد. دوم رعایت من شود که از يك جوان بسیار رشت است به بررگزان و اعلی که.

نوبته خود از روی آینه که دارم همیشه بزنها و بیرمرد ملوکمان عاجز رعایت کرده چه دوسوار شمن مانوس و چه دموافع دیگر آنها ایستاد منم میگرددانم و هیچگاه جدایی میان زنهای جوان و بیرمردان نیگزاردم. بلکه به پیر زنان و زنهای چهار بیشتر رعایت میکنم. ولی چنانکه گفتیم این در جایست که توده منم باشم و بافتی این یکی و این دوم. اگر افسری جلو افتد قهر یا با مخالفت میکنم. از سوی دیگر در مورد انوس یک کتند دیگری منظور است و آن اینکه مواقع سوار شدن من پیش از همه صبح صحت هشت است که باید خود را بدارد برسان و صبحی است در چنان هنگامی رعایت چندان آسان نیست بخصوص که زنها در آن هنگام کار فرتی ندارند و مرد ها دارند و علی القاعده در آن مواقع باید مردها را مقدم داشت.

بهر حال این يك رفتار بی از عری افسران است و من مقصود بیاوری بوزارت جنگ است که از هر طریقی که بهتر میداند این را بگوش افسران برساند و آنان را بترك این رفتار وادارد.

یکی از خوانندگان پرچم

بهر حال این يك رفتار بی از عری افسران است و من مقصود بیاوری بوزارت جنگ است که از هر طریقی که بهتر میداند این را بگوش افسران برساند و آنان را بترك این رفتار وادارد.

### نبرد با حقایق

توده ایران در اثر بکشته به آموزشها که سلطان هرا در این کشور ریته دوانیده از حقایق دور افتاده و بیچ روی بخواهد حقایق را که بدون بکار بستن آنها زندگانی با آسایش و آرامش امکان ندارد بیلیرد و بکار بندد.

گرچه پیشین گفته اند حقیقت تلخ است و برای کسلیک از حقیقت فرستگها دوری قبول آن دشوار و این مزارت بفرمان حقایق خیر میگوید معنی شده است که نتیجه شیرینی در پر دارد اما توده ها نهایی خواهد حقایق را بشود و بدان عمل کند بلکه حقایق را اندازد در دشتی تلخ و ناگوار است که با آن مبارزه می کند.

این نبرد با حقایق در احوال و گفتار جامعه صورت گوناگون دیده میشود.

در مد گفته هنگامیکه روزنامه‌ها از بعضی اسامی گرفتاریهای بیشتر سخن را در و سفلش میگردند در اندیشه آینه‌ها بیکت که از این توده صوبی منم بیدار خوش دست عافان (لسان القی) انداخته با دیوان او عالی زده با خدا این بیت

عسی بلا صامت گفتن خواهد شد

حالی بر دیگر نره جوان خواهد شد

که مظلوم یکی از خرفای حلقه است امپوار می گردیده و بیکر همین لحول را که «امید پرور» می نامیدند.

ایدل او عشرت امروز برداشتی

باید بده غارا که خشان خواهد شد

معار حل خود میگردند. دست دیگری مصرع

سالمها سنگرد و شنه بیروز اقتد را وسیله نیست

دانشه بهیمن دلموشی از کوشندگی برای خود و توده خود داری توده فارغ البالی و آسوده می نشینند غفلت از آنکه بر حسب قواعدیات علم حقیقت این گردش روزگار سال در اباام حقه در نتیجه حرکت انقلابی دینم بهور

آفتاب در صفت ۳۶۵ شانه روز ۵ ساعت ۴۸ دقیقه ۴۸ ثاب حاصل شده و هر شاکرد دستان می بیاورد از روی حساب فوق روز اول سال شمسی رسی را نین و پیشانی بگوید که در آینده چه سالیانی نوروز شنه خواهد افتاد و این تصادف نوروز شنه يك دمای مسلم حلی دلد و امر اتفاقی نیست که باستانان اسلار و ولو آنکه هزاران

صحنی در پیش باشد میون و مزارت دانت و بیاوری بکوشش داشته باشیم و در اجماع وظایف سنگینی که بناسبت نقضیات سوادت جهان بر عهده داریم کوتاهی نباید

در این گیر و دار حاکم جهانی و بیوه حکی خواور در ایران صکه سر رشت دوان توده با فعالیت کم نظیر مشغول اقدام برای رفاهت عموم هستند و مردم را با سمن را بپسندار را بپسندستی و منی در کشت و زرع خواور بار و کوشش بیشتری در بار کشت و زرع توبه میباید

گروهی در از رهان تعلیمات ایران و ایران کن کدورتن شتم و عظمی بپرواچ شفت خود رسد و سیبیشرفت سپاهیان و صحنی چنگیر و بافت قتل ملیونها عوس گردید

### پندارها

از يك كتاب مختار گفتار آورده میشود

استخاره: استخاره يك قسم دیگرى از پیشگوییست. مقصود از استخاره آنست که کسی چون میخواهد سفری رود یا کاری بکند یا ملکی بفرد یکی بماند آن کار را بوسیله استخاره از خدا بپرسد و چون دقت کند این میان رفتاریست که ب پرسش بویان با خدا بیان خود داشته اند و کارها را از آنها شور میخواستند (چنانکه داستانهای صمد دلفی را آورده ایم).

برای استخاره واهی گوناگونی هست و مشهورترین آنها دولاست. استخاره با تسبیح و استخاره با قرآن و چون آرا يك گفتگویی با خدا شلند و آنکه باید يك هارت عربی خواهد. استخاره با «ا از ایزد و استخاره کن باید یکی از ملایان یا خود بیه ملا می باشد.

بسیار دینیت و شکی بکردی یا دمی در خیالان یا در کوچه يك ملا می رسد و می گوید: «آقا يك استخاره ای برای من بکنید». آقا میگوید در حالیا می ایستد و دست به چل برده تسبیح را بیرون می آورد و آنکه لیبارا جابیده دعای میفرماید و چشما را رویم

کرارده دست به تسبیح می اندازد و چند بار را گرفته می شورد و آنکند رو با استخاره خواه گردانده می گوید: «خوست» یا «به است» و سپس راه خود را

کنده می رود

آنان ابتر يك وظیفه ای برای خود میباشند و چنین می دانند که دست مردم می گردند و کار نوا می کنند. ولی باید پرسید: «کی خدا این عهد را کرده که شما هر پرستی ازو گردید باسخ دهد». کی خدا این رمز را کرده که دست اسامه دانه های تسبیح را بگیرد. اگر چلت آمد باید که می گویم: بیکت» و اگر طلق آمد نباید که می گویم: به است. «و که چنین فرار داری برای شما با خدا کرده است. بگویند

و شاکر د تلای از لبت بروی آیم برای ما کار کنده من میدانم این طلق بیکت اگر هم دوری منتری و چشم خود ببیند و صفا تا نظر رقت آور را مشا هه

ناید و خدای ناگردد صفا عرازی از لکرسنگی مانند نیست و بپسالیش برای کتور جان دهنه چون سترخان تحت تاثیر و نفوذ بکسله اوام و مظالم غفل از حقیقت

بوج شده تبه حاصل نکرد و خواهد گفت رضا بداده بده و ز چنین گره بگشا

که سمن و تو در اختیار نگشوده است

يك نمونه دیگر از نبرد با حقایق مطوعات صامت اگر خواهند روحیه و طرز فکر و روحی ملتی را از خلال و روان مطبوعات بشنید و تشخیص دهند و در بارش مضلوت بایند با يك نظر سطحی به کسی که از بکسال

بایطرف در کتور ما چاپ و زیت افزای «کتلیرو شی ها و کتبها گردیده» می توان گفت هنوز ملت ایران دنیا و ما فیها را شمر میداند و میخواهد خود را با حقایق آشنا

کند و سنج لکرس در این سی و شش سال دوره مشروطیت عوس شده است. باز هم غفلت انگاش چنان سی و عا: بکشت لا ملاقات است که شرای خرابی روزیکه جهان

رویه دیگری داشته و ایرانی نو چهار دیوار کشور خویش از همه جا می خیزد بر این س و کج می کند ما و خرابها ها

و خرابها بیه بافته اند و بفره زندگانی امروز که میبایان با حقایق بلوزی زندگانی میکنند و ما با پیشتر ملل روی

زمن داینه و آمیزش داریم بپهورد

چندی است جوان دیوان پراکی پیدا شده جامعه و از جوانی و خواری و لایالیکری سون دانه و پالتیجه به پیشی تهید میکنند. دیوان بشت سردوان جلیب مشود

هر مرد گندی که دوطول تاریخ ایران هم از اسلام و ش و با بی سام شمر بنظم آورده باشد اسرو به باوه های او یا بدیل و مقصه تلان طلامه مشر با با تصحیح و حتی بهیمن ادب فاضل زینت بخش مطبوعات کشور می گردد. مثل اینکه از یک قرن و نیم پیش که چاپخانه ایران

رایج و مطبعه دایر شده است آقا بایان مصححین دیوانها در شواب غفلت برده و طب مانه اند میخوا هله هر چه زودتر دیوانهایی که از هزار سال با سطر طرف در دست است چاپ رسانند و سالیانی را هم که چاپخانه وجود داشته

چرا کنند











